یادداشت روز

خبر پرشکوه این روزها

روز تاریخی هفتم اسفند بعد از مدت‌ها انتظار رسید و مردم ایران حماسه دیگری آفریدند. جریانات و گروه‌های کوچک و بزرگ سیاسی از مدت‌ها قبل، بـــا برنامه ها و طرح های مختلف خود را برای این روز آماده می‌کردند و هرکس به‌گونه‌ای می کوشـــید سهم بیشتری از رای مردم را به خود جلب کند. برخی، رفتارهای منطقی، موقر و آرام را برای رســـیدن به این منظور در پیش گرفته بودند و برخی رفتارهای هیجانی و بعضا غیر اخلاقی را. این روی سکه مربوط به سیاسیون بود و مردم در رای خود، اقبال یا ادبار خود به آنها را نشان خواهند داد.

روی دیگر سکه، مردمی هستند که با هر گرایش و عقیده‌ای، جانانه در یکی از مهمترین بزنگاه‌های سیاسی کشورشان حاضر شدند. این حضور، بار سنگینی برای مردان سیاست ایجاد کرد که شاید به این زودی‌ها و به این سادگی‌ها نتوانند از عهده آن برآیند و پاسخ این رای مردم را بدهند.

اما در این بین موضوع مهم و قابل توجه دیگری هم هست که نباید و نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت و تجربه نشان داده کسانی که این نکته مهم را نادیده گرفته‌اند، در ورطه غرور و خود خواهی تا آنجا پیش رفته‌اند که راه بازگشـــتی برایشان باقی نمانده است. آن نکته مهم و تعیین کننده، چیزی نیست جز باور اینکه رای مردم، قبل از رای به فلان جریان سیاســـی و بهمان گرایش حزبی، رای به نظام و بیعت دوباره با رهبری اســـت که همچون پدری دلسوز و مهربان، آحاد جامعه را به شرکت در تعیین سرنوشتشان فراخواند و مردم آن دعوت را به گوش جان شنیدند و آمدند. این موضوع بسیار مهم و کلیدی، از چند جهت جای بررسی و دقت نظر دارد.

۱- برکسی پوشیده نیست که، دشمنان ما هیچگاه از حضور مردم در انتخابات خرســـند نبوده و به هر شکل ممکن، می‌کوشیدند مردم را به تحریم انتخابات تحریک کنند. در ادوار پیشین اینگونه بود که صراحتا مردم را به عدم حضور در انتخابات دعوت می‌کردند، با این امید واهی که نظام را در تنگنای عدم مقبولیت مردمی قرار دهند. تجربه سی‌وهفت ساله ایران سربلند به آنها ثابت کرد که،حرف آنها هیچ تغییری در تصمیم مردم و انتخاب آنها ایجاد نکرد و مردم هربار بیش‌از پیش و پرشور تر از قبل در تعیین سرنوشت خود مشارکت کردند. در این انتخابات هم آنها از حضور مردم خرسند نبودند، اما می‌دانستند که اگر دعوت به تحریم کنند، بازهم تیرشان به سنگ خواهد خورد. پس ناشیانه کوشیدند با دو قطبی ســـازی، خود را در نتیجه انتخابات سهیم نشان دهند! این تصمیم یعنی پرهیز از تحریم انتخابات، یک انتخاب آزادنه نبود. آنها اگر بازهم می‌توانستند، همین کار را می‌کردند اما بهتر از هرکسی می دانستند که چنین پیشنهادی به مردم ایران، آبروی نداشته‌اشان را بیش از پیش خواهد برد.

۲- اما این تنها آنها نبودند که در گذشته انتخابات را تحریم کرده بودند. در گذشـــته‌ای نه چندان دور، یعنی تنها شش سال قبل، عده ای که طاقت روبرو شـــدن با نه بزرگ ملت را نداشتند، با تشکیک در صحت انتخابات، کشور را به آشوب کشیدند و در یک پروژه خطرناک و با حمایت دشمنان اصلی نظام، هرکاری که از دستشان بر می آمد انجام دادند و چون جواب شرارت‌هایشان را با دست الهی ملت ایران گرفتند، به گوشـــه‌ای خزیده، انتخابات را تحریم کردند! با این بهانه که در ایران انتخابات آزاد نیست و مردم به هرکه رای بدهند فرقی نمی کند و نظـــام هرکه را بخواهد از صندوق بیرون می آورد! این البته اولین بار نبود که آنها چنین تهمتی به مردم می‌زدند و پیشـــتر هم در جریان انتخابات سال ۸۴ چنین دروغی را به نظام نسبت داده بودند. اما آنها بهتر از هرکسی می دانستند که سخنشان لاف گزافی بیش نیست و امکان تقلب در انتخابات وجود ندارد و اینگونه شـــد که بدون اینکه به روی نامبارک خود بیاورند، در انتخابات مجلس نهم شرکت کردند و انگار نه انگار که خودشان چنین ادعایی مطرح کرده بودند! انتخابات دیروز اما کار را یکســـره کرد. و همه کسانی که در فتنه و سالهای بعد از آن، بدترین تهمت هارا به نظام زدند، در انتخابات دیروز شرکت کردند و رای خود را به اشـــخاص مورد نظرشان دادند. این موضوع چه معنایی دارد!؟ آیا آنها بر اســـاس ادعای پیشین خود، نگران نیستند که هرچه بنویسند، جور دیگری خوانده شود!؟ یقینا اگر آنها سر سوزنی نگرانی داشتند، هرگز در انتخاباتی که هیچ یک از ســـاز و کارهای قانونی آن ذره‌ای تغییر نکرده شرکت نمی‌کردند و همچنان بر طبل تحریم می‌کوبیدند. اما چون می‌دانستند ادعایشان دروغ است و می‌دانستند، جایی اطمینان بخش در نظام، رای مردم را پاسداری می‌کند، در انتخابات شرکت کردند.

۳- به جز دعوت همیشگی دشمن بیرونی به تحریم و دروغ بزرگ تقلب از سوی دنباله‌های داخلی دشمن،یک موضوع دیگر هم در میزان مشارکت مردم در انتخابات تاثیرگذار است و آن رضایتمندی یا نارضایتی آنها از وضع موجود بخصوص از وضعیت اقتصادی کشـــور است. بر اساس آمار و ارقام رسمی که از سوی منابع دولتی منتشر می‌شود و بر اساس آنچه در واقعیت زندگی مردم به عینه قابل ملاحظه است،عملکرد دولت یازدهم در حوزه معیشت و اشتغال و در مجموع در حوزه اقتصاد بسیار ضعیف بوده و همین موضوع می‌توانست مردم را دلسرد و مشارکت آنها در انتخابات را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. این موضوع فارغ از ریشه‌ها و عوامل ارادی و غیرارادی آن، بصورت موذیانه و ماهرانه‌ای در ایام گذشته، دستمایه برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بود تا با استناد به آن، مشارکت مردم در انتخابات را تا حد ممکن کاهش دهند.

اکنون و به رغم همه آنچه گفته شد،مردم در انتخابات دیروز،بسیار پرشور و پرشکوه شـــرکت کردند. با همین چند نمونه شاید بتوان بهتر فهمید که این انتخابات،بیعـــت دوباره مردم با نظام و لبیک به فراخوان رهبری بود. چراکه در برابر همه آن صداها و همه آن عوامل مایوس‌کننده، تنها یک نفر بود که از ابتدا، از همان ســـال ۸۸ تا صبح دیروز و برای همیشه، بر اهمیت رای مردم، ضرورت حضور و مشارکت مردم در سرنوشتشان و هشدار درباره آرزوهای دشمن با مردم، صمیمانه و پدرانه ســـخن گفته و می‌گوید و آنها را به حضور در عرصه انتخابات دعوت کرده و می‌کند.

این رهبر انقلاب بود که فضاسازی دو قطبی در داخل کشور را صراحتا رد کرد و فرمود: «بدخواهان ملت ایران برای این انتخابات، به ایجاد «دوقطبی‌های دروغیـــن» روی آورده‌اند تـــا وجود دو دســـتگی در مـــردم را القا بکنند. ...برتری یا عدم برتری در انتخابات به معنای دوقطبی شـــدن ملت و ایجاد دو دســـتگی در جامعه و دشمنی و عناد مردم با یکدیگر نیست و القای وجود این دوقطبی در ایران، دروغ است...البته در این دوقطبی، قاطبه ملت ایران، «انقلابی و علاقه‌مند به انقلاب و وفادار به امام رحمه‌الله و تفکر و اصول ایشان»

ایشان بودند که احتمال تقلب در انتخابات را از اساس منتفی دانستند و مکررا بر حق‌الناس بودن رای مردم و امانت بودن آن تاکید کردند: «همه کسانی که در اجرا، مراقبت، شمارش، جمع‌بندی آرا و اعلام نتایج دخیل‌اند باید در حفظ آرای ملت کمال امانت را رعایت کنند و اندک تخلفی در این مسئله، خیانت در امانت است.» البتـــه ایشـــان پذیرش نتایـــج قانونـــی انتخابـــات را هم از دیگـــر ابعاد رعایـــت حق‌الناس دانســـتند :« وقتی مراکـــز قانونی، نتایـــج انتخابات را اعـــلام و تأییـــد کردنـــد مخالفت بـــا این نتایـــج، ضد حق‌الناس اســـت. ...در آن سال(۸۸) برخی با حرف‌های منکَر و ناپسند، ادعای تقلب را مطرح کردند و خواســـتار برهم‌خوردن نتایج آرا شدند. ... ما با آنها خیلی مماشات کردیم که جزئیات آن طولانی است، گفتیم بیایید هر تعداد صندوق که می‌خواهید بازشماری شود اما به توصیه‌ها اعتنایی نکردند چون بنا نبود که حرف حق را بپذیرند! »

حضرت آقا بود که پدرانه از همه کسانی که حتی دلخوری و گلایه‌ای از نظام نیز داشتند برای شرکت در انتخابات دعوت کردند و فرمودند: «هر فردی از آحاد ملّت که احساس مسئولیّت بکند، خودش یکی از آن عناصر حفظ کننده انقلاب است. حضور مردم یکی از آن عناصری است که دشمن را ناکام می‌کند. اینکه ما تکیه می‌کنیم، تأکید می‌کنیم، اصرار می‌ورزیم بر اینکه مردم همه شرکت کنند در انتخابات و من بارها این را قبلاً گفته‌ام که حتی آن کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشـــور، برای اعتبار کشور بیایند در انتخابات شرکت کنند. ممکن است کسی بنده را قبول نداشته باشد، عیبی ندارد اما انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی است، مال نظام جمهوری اسلامی است. همه باید بیایند در انتخابات شرکت کنند؛ این موجب می‌شود که نظام جمهوری اسلامی تقویت بشود، پایداری آن و ماندگاری آن تأمین بشود، کشور در حصار امنیت کامل باقی بماند این موجب میشود که ملت ایران در چشم ملّتهای دیگر آبرو پیدا کند و اعتبارش بالا برود؛ در چشم دشمنانش ابهت پیدا کند ملت ایران؛ انتخابات این است. بنابراین اصل انتخابات حضور مردم در پای صندوقهای رأی و رأی دادن آنها است. همه باید شرکت کنند؛ شـــرکت در انتخابات آبروی نظام جمهوری اسلامی است، آبروی اسلام است، آبروی ملت ایران است، آبروی کشور است. »

مرور همه این سخنان، ما را به نتیجه ای جز این نمی‌رساند که انتخابات هفتم اســـفند،بیش از آنکه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان باشد، رای آری مردم به نظام و لبیک آنان به دعوت رهبری بود. مردم دیروز باردیگر با رهبر انقلاب بیعت کردند و به نظام اسلامی آری گفتند. این پرشکوه‌ترین خبر این روزهاست.

حسین شمسیان

از نفوذ دیپلماتیک تا شبکه‌سازی اجتماعی

دستگیری پدر پیر شبکه نفوذ در ایران

سرویس سیاسی-

دستگیری محمد باقر نمازی پس از ورود به کشور با هدف کشف لایه‌های پیچیده فساد اقتصادی و اطلاعاتی گسترده شـــبکه مرتبط با انگلیس و آمریکا در ایران در حالی صورت گرفت که علت‌یابی بازگشت وی به کشور در شرایط کنونی مهم ارزیابی می‌شود.

رسانه‌های انگلیسی و آمریکایی طی دو روز گذشـــته تلاش کردند ضربه امنیتی بزرگ وارد شـــده به شبکه فساد اقتصادی و خرابکاری امنیتی انگلیس و آمریکا در ایران را تحریف کـــرده و باقر نمازی را صرفا «پدر پیر و مریض» سیامک نمازی با حق شـــهروندی آمریکا نمایش دهند!

هرچند پســـر بازداشت شده وی از سوی رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی به عنوان شاه ماهی شکار شده دستگاه امنیتی ایران معرفی شده است اما بررسی و مرور پرونده «پدر» نشـــان می‌دهد که «پسر» جاسوسی و عملیات نفوذ و براندازی را از پدر به خوبی فراگرفته است! در حقیقت اگر «سیامک» را سرشاخه برنامه نفوذ انگلیســـی- آمریکایی در ایران به شـــمار آوریم بی‌شک ریشه این درخت فســـاد «باقر»، پـــدر وی خواهد بود. اما ســـوال اصلی این است که چرا باقر نمازی ۷۹ ســـاله، زندگی مرفه و کرسی مهم خود در اندیشـــکده‌های ضد ایرانی آمریکایی- صهیونیستی در کالیفرنیا را رها کرده و به فرودگاه «امام خمینی» پا گذاشته است؟

قمار امنیتی پدر برای پسر

حقیقت ماجرا این است که پس از دستگیری «جیسون رضائیان» دوست خانوادگی و همکار نمازی‌ها در پروژه جاسوســـی مرکز امنیتی نایاک، موج حمایتی وســـیعی در رسانه‌های غربی با توجه به عنوان پوششی خبرنگاری وی، به راه افتاد که سرانجام با مبادله این جاسوس عالی رتبه پایـــان یافت. اما هویت امنیتی پنهان «سیامک نمازی»، منجر شـــد به جز عوامل نایاک و دســـتگاه سیاست خارجی آمریکا، تکاپوی رســـانه‌ای گسترده‌ای در مسیر فشار بر ایران برای آزادسازی فرزند ارشـــد باقر نمـــازی صورت نگیـــرد. به نظر می‌رســـد همین موضوع موجب شـــده پدر مشهور و با سابقه ســـیامک، نقشه «قمار امنیتی» را با در نظر گرفتن موارد مهمی همچون پنهان شدن هویت حقیقـــی وی ذیل عنوان «پدر پیر محکوم امنیتی دربند» و تاثیر روانی «سالخوردگی» وی بر افکار عمومی جهانی، اجرایی کند و با پاسپورت آمریکایی به امید آزادی سیامک، با فشار نهادهای بین المللی، راهی ایران شود.

مرور عناوین خبری رسانه‌های مشـــهور نزدیک بـــه لابی امنیتی نایـــاک از جملـــه ســـی ان ان، ان‌بی‌ســـی و گاردیـــن، حکایت از تایید گمانه مذکور دارد.

همکار کارگزاران همراه اصلاحات

باقر نمازی اســـتاندار اســـتان مهم و نفتی خوزســـتان در دوره پهلـــوی، متولـــد ۱۳۱۵ و دارای مـــدرک دکترای اقتصاد و تابعیت ایرانی-آمریکایی اســـت. نمازی و پسرانش، بلافاصله پس از بازگشت به ایران در دهـــه ۷۰، به گروهی از دولتی‌هـــای نشـــان‌دار متصل شـــدند. بابک و بیژن خواجه پور- داماد خانواده بـــزرگ نمازی- به مجمع تشـــخیص مصلحت نظام نزدیـــک شـــدند و در نـــگارش قانون ســـرمایه گذاری خارجی و مســـئولیت اجتماعی شرکتی در ایران مشارکت کردند و سیامک نیز مجموعه شرکت‌های گروه «آتیه» را بـــا هدف ارائه خدمات دلالی به خارجی‌ها و اخذ پورسانت برخی دولتی‌های مشهور و آقازاده هایشان بنا نهاد! نمازی‌ها به محض فعالیت، بزرگ‌ترین قراردادهای نفتی کشور را بـــا شـــرکت‌های چندملیتی به خود اختصاص دادند و حتی شکل قراردادهای نفتی ایران را به نیابت از زنگنه و همکاران در لندن ارائه کردند! تقریبـــا اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌های ســـرمایه گذار نفتی چون اســـتات اویل، BP ، شل، OMV؛ صنایع دارویی مانند گلاکسو اسمیت کلاین، شرینگ، بایـــر، ســـانوفی اونتـــس و فاربو؛ صنایعی همچون کاترپیلار، دایملر کرایســـلر، تویوتا، میتسوبیشـــی، هوندا، رنـــو، بـــی‌ام و؛ مخابراتی مثـــل MTN، نوکیـــا، ودافون، زیمنس؛ صنایـــع غذایی همچون نستله، صافولا، هوکلند، میگراس، تتراپک و شرکت دخانیات بریتیش امریکن توباکو به واسطه خدمات دلالی انحصاری گروه آتیه به بازار ایران راه یافته اند.

قرق سیاست خارجی

همچنین طیف مذکور از طریق گروهی از کارمندان آموزش دیده خـــود در تهران از جملـــه «تریتا پارسی»، «رضا مرعشی» و شخص «ســـیامک نمازی»، با مشـــارکت برخـــی از دیپلمات‌های مشـــهور «باند نیویورکی ها»، لابی امنیتی نایاک را با هدایت «گری سیک» و «زیبیگنیو برژینسکی» در آمریکا با هدف لابی‌گری اشـــتراکی میان دولـــت ایران و دولت آمریکا به راه انداختند. قـــدرت لابی مذکور در آمریکا به حدی اســـت که نقشـــه «سازش ایران و آمریکا و اسرائیل» را با انتشار کتاب «اتحاد خیانتکارانه ایران و آمریکا و اسرائیل» در ذیل مصاحبه بـــا دیپلمات‌های متحد هر ســـه گروه، چند ســـال پیش رسما منتشر ساختند. نمایندگان لابی امنیتی نمازی‌ها در مذاکرات مســـتقیم ایـــران و آمریکا حضور داشـــته و پـــس از تصویب برجام، بنیاد برادران راکفلـــر به نیابت از آنها به عنوان حامـــی مالی پروژه اعلام پیروزی نمود.

شبکه‌سازی اجتماعی- اقتصادی

باقر نمـــازی با همکاری «پری نمازی»، برادرزاده خود و همسرش «بیژن خواجه پور خویی» بســـتر سازمان‌های مردم نهاد وابسته به ســـازمان‌های خارجی را با هدف شبکه‌سازی اجتماعی و تاثیرگذاری بر تحولات داخلی جامعه ایران بنا نهاد. از مهم‌ترین طرح‌های اجرایی باقر نمازی با بودجه صندوق برادران راکفلر می‌توان به «برنامه تحدید نسل ایرانیان» با هدف گذاری موفق ۱۰ ساله اشاره کرد.

باقر نمازی پس از بازگشـــت به ایران، با همکاری جاسوســـان نفوذی دولـــت اصلاحات از جمله ســـهراب رزاقی و برخـــی عوامل ملـــی- مذهبی، براســـاس برنامه ویـــژه تعریف شـــده در مجموعه ســـازمان‌های امنیتی آمریکایی و انگلیسی، پروژه «سازمان‌های مردم نهاد وابسته به بیگانه» را با وسطه ســـازمان «همیاران غـــدا» بنیان گذاشت و در شـــرایطی که حتی دولت اصلاحات از ارائه آمار دقیق تحولات NGOهای ایران ناتوان بود، ضمن قانـــون گذاری داخلی، گـــزارش دقیق اقدامـــات نفوذی خود را در ســـازمان ملل ارائه کرد و جوایـــز بین‌المللی نیز به همین سبب کسب نمود!

به محض تشـــکیل زیرساخت مذکـــور، مجموعـــه بزرگـــی از ســـازمان‌های بین المللـــی، واریز وجوه قابل توجهی به داخل کشور بـــه منظور آنچه «توانمندســـازی جامعه مدنی ایرانیان» می‌نامیدند، آغاز کردند. نمازی در بخشـــی از اطلاعات ارائه شـــده به نهادهای وابسته به ســـازمان‌ملل به عنوان سفارش‌دهندگان پروژه به وی، از همکاران آمریکایی- صهیونیستی خود پرده برمی‌دارد. وی آشکارا از نقش موثر نهادهایی همچون بنیاد فورد، شـــواری جهانـــی جمعیت، اندیشکده وودرو ویلسون، اندیشکده آلتون جونز، بنیاد فورد، خانه آزادی، ســـازمان صهیونیستی جستجوی زمینه‌های مشترک، بنیاد اینتراکت، بنیاد هیفوس،NED ؛ در اجرای پروژه‌هایی همچون برنامه تحدید نسل ایرانیان و پروژه «شبکه‌سازی اجتماعی» به نمایندگان سازمان ملـــل گزارش می‌دهـــد و در عین حال به موضوعات مهمی همچون «تشکیل بانک اطلاعات» جمع‌آوری شـــده از افراد و سازمان‌های فعال غیردولتی در ایران اشاره می‌کند.

مدیریت شبکه نفوذ

بخشـــی از شـــبکه گسترده نمازی‌ها در ایران، در جریان فتنه ۸۸ و پـــس از اقدامات میدانی بر ضد نظام در مدیریت لشکرکشی ســـازمان یافته خیابانـــی در قالب مجموعه سازمان‌های به اصطلاح مـــردم نهاد وابســـته، از کشـــور گریختنـــد، اما اطلاعـــات کیهان حکایت از آن دارد که بستر نفوذی کماکان بـــه فعالیت خـــود ادامه می‌دهد و هدف ســـیامک نمازی از بازگشـــت به کشور نیز مدیریت شبکه نفوذ پس از دستگیری برخی از سرشاخه‌های پروژه «کارآفرینی وزارت خارجه آمریـــکا» در ایران بوده است.

گفت و شنود

تکراری!

گفت: مثل اینکه «گاف» سایت‌های مدعی اصلاحات تمام شدنی نیست و هر دفعه هم ناشیانه‌تر از دفعه قبل است.

گفتم: دیگه چی شده؟!

گفت: بعد از انتشـــار خبر توصیه مفتی اعظم آل‌سعود در کیهان که از مردم ایران خواسته بود به جنتی و یزدی و مصباح رأی ندهند، چند سایت مدعی اصلاحات به نقل از نماینده خبرگزاری آل‌سعود در آمریکا این خبر را تکذیب کردند!

گفتم: از کی تا به حال، ادعای نماینده خبرگزاری آل‌سعود در آمریکا از خبری که بسیاری از سایت‌های عربی و از جمله سایت «النشره» که یک سایت مسیحی و بی‌طرف است، برای مدعیان اصلاحات اطمینان‌آورتر و موثق‌تر شده است؟!

گفت: شاید کمک مالی پادشاه سابق سعودی به اصحاب فتنه ۸۸ آنها را نمک‌گیر کرده است؟! آخه اینهم شد خبررسانی؟!

گفتم: یارو به رفقاش گفت؛ یک چیزی میخوام بهتون بگم که البته تکراریه، اما خنده‌داره! پرسیدند چی! گفت «گاف»هاتون رو میگم!

فارین پالیسی:

اصلاح‌طلبان از آرمان تغییر ایدئولوژی جمهوری اسلامی کوتاه آمده‌اند

فارین پالیسی می‌نویسد اصلاح‌طلبان برای ادامه فعالیت در بســـتر قوانین ایران، فعلاً از آرمـــان خود بـــرای تغییر ایدئولوژی ســـفت و سخت جمهـــوری اســـلامی، کوتاه آمده‌اند.

به گـــزارش فارس، نشـــریه آمریکایی فارین‌پالیســـی ساعاتی پیش از برگزاری انتخابات پارلمان و مجلس خبرگان رهبری ایران، در مقاله‌ای به تحلیل مواضع سیاسی اصلاح‌طلبان پرداخته است.

فارین‌پالیســـی از برخـــی گزینه‌هـــای مذکور در فهرســـت انتخاباتـــی اصلاح‌طلبان نام برده و در تحلیـــل رویکـــرد انتخاباتی این جریان نوشته: «اصلاح‌طلبان در این انتخابـــات به صورت قابل ملاحظه‌ای از ایدئولوژی خود کوتاه آمده‌اند؛ این یعنی یک گام رو به عقب و بازگشـــت از دولت محمد خاتمـــی در اوایل قرن بیســـت و یکم، وقتی که آنها آشـــکارا تغییر ایدئولوژی نرمش‌ناپذیر جمهوری اســـلامی را هدف گرفته بودند و قوانیـــن جدیدی بـــرای مقابله با تبعیض جنسیتی و ارتقای سطح آزادی‌های فردی تصویب کردند.»

نشریه آمریکایی به ریشه‌یابی جهت‌گیری جدید اصلاح‌طلبان هم پرداخته و نوشته: «اصلاح‌طلبان پس از وقایع سال ۲۰۰۹، اهداف خـــود را به صورت چشـــمگیری تعدیل کرده‌انـــد تا به عنوان یک موجودیـــت سیاســـی، بـــه کلی غیرقانونی اعلام نشوند.»

فارین پالیسی به ایجاد اتحاد انتخاباتـــی میـــان اصلاح‌طلبان و رئیـــس دولـــت فعلی ایـــران هم پرداخته و ضمن «موردی» ارزیابی کردن اتحاد کنونی نوشته: «در این دوره از انتخابـــات، آنها به صورت موردی با جناح‌های سیاسی حامی رئیس‌جمهور معتدل این کشـــور ائتلاف کرده‌انـــد؛ روحانی هم به نوبه خود در صدد ایجاد تغییرات تدریجی بیشتر در کشور است.»

خبر ویژه

دستگاه‌های دولتی فاقد اولویت‌بندی برای مهار فقر هستند

برنامه‌های دولت برای مهار فقر چیســـت؟ روزنامه جوان با طرح این ســـؤال نوشت: ۱۸ درصد مردم جامعه از نظر دسترسی به زیرساخت‌ها و ۲۸ درصد نیز از لحاظ درآمدی فقیر هســـتند. اینها آماری هستند که معاون رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده اســـت. اعداد و ارقامی که برای جامعه ۷۵ میلیونی ایران اصلاً خوشایند نیست و نشان می‌دهد چیزی که حدود ۲۵ میلیون ایرانی از لحاظ درآمدی فقیر هستند و ۱۵ میلیون نفر هم به زیرساخت‌ها دسترسی ندارند.

معمولاً در تحلیل‌ها و پژوهش‌ها، فقر به صورت چند بعدی درنظر گرفته می‌شود. بدین معنی که فقر درآمدی و فقر قابلیتی یا چندبعدی محاسبه می‌شود. به‌طوری که میزان درآمد خانواده‌ها نسبت به هزینه‌های زندگی در فقر درآمدی و همچنین میزان دسترســـی مردم و خدمات زیربنایی مانند آب، گاز، برق، مسکن، آموزش و بهداشت در فقر قابلیتی مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

در همین راستا و به استناد نتایج پژوهشی که بر همین پایه در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شـــده، مشـــخص شـــد درمورد زیر ساخت‌ها ۱۸ درصد افراد فقیر محســـوب می‌شوند که به زیرساخت‌های آموزشی، مسکن و... دسترسی ندارند و همچنین ۱۲ درصد خانوارها در مناطق شهری از لحاظ قابلیتی و درآمدی آسیب‌پذیرند و ۲۸ درصد نیز از لحاظ درآمدی فقیر هستند.

با نگاهی به میزان بودجه و خانواده‌های تحت حمایت ســـازمان‌ها و نهادهای مختلف چنین استنباط می‌شود که هنوز در اولویت‌بندی فقر در دستگاه‌ها برنامه و نگاه درستی وجود ندارد.

به عنوان مثال برای سال ۹۵ در حوزه حمایت‌های اجتماعی ۵۸ هزار میلیارد تومان اعتبار درنظر گرفته شده و ۴۰ هزار میلیارد تومان نیز در سازمان هدفمندی اختصاص یافته که در این میان سهم امداد و بهزیستی فقط ۵ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان جهت خدمات‌رســـانی به بیش از ۳ میلیون خانواده است. این درحالی است که دولت به صندوق بازنشستگی کشوری ۱۹ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان و به تأمین اجتماعی نیروهای مســـلح ۱۶ هزار میلیارد تومان کمک می‌کند و در مجموع ۳۵ هزار میلیارد تومان به این دو صندوق کمک می‌کند که در مجموع فقط ۲ میلیون خانواده تحت پوشش آنها هستند و پول حمایت‌های اجتماعی که باید به سه دهک پایین جامعه کمک شود به صندوق‌های بازنشستگی پرداخت می‌شود.

به هرحال اگر دولت بودجه‌اش را بین سازمان‌ها و نهادها تقسیم کرده، بجاست تـــا نســـبت به نحوه هزینه کرد آنها و تأثراتش در کاهـــش نرخ تورم در جامعه نیز نظارت داشته باشد تا حداقل در این شرایط اگر اوضاع را بهبود نمی‌بخشیم، نسبت به وخیم‌تر کردن آن هم کاری صورت نگیرد.

وال‌استریت ژورنال: ایران در سوریه عربستان را جا گذاشت

ایران در ســـوریه، عربســـتان را پشت سر گذاشته است و با حمایت‌های ایران، دولت بشار اسد به موفقیت‌های بزرگی در حلب رسیده است.

روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال در یادداشتی نوشت: رویای سرنگونی اسد، با پیروزی‌های اخیر متحدان ایران در حلب به شکست انجامید. حزب‌الله به همراه نیروهای قدرتمند سپاه پاســـداران ایران و هزاران شبه نظامی شیعه از کشورهای عراق، پاکســـتان و افغانستان که به کمک نیروهای ایرانی تعلیم دیده‌اند، حملات اخیر در حلب پیش از آغاز آتش‌بس برای انتقال کمک‌های بشردوستانه به ساکنین این استان را هدایت می‌کنند.

در دیدار دی میســـتورا با مقامات دولت سوریه، از آنها خواسته شد که هر چه سریع‌تر به نیروهای سازمان ملل اجازه دهند که کمک‌های بشردوستانه را به مردم برسانند. دیدار دی میستورا با مقامات سوری، یک روز پس از اعلام مواضع مقامات روسی و ایرانی مبنی بر عدم پذیرش توافق آتش‌بسی که یک طرف آن تروریست‌ها باشند، صورت گرفت.

سخنان رئیس جمهور آمریکا نیز حاکی از آن است که آمریکا در صورت شکست طرح آتش‌بس و به نتیجه نرسیدن همکاری‌ها با روسیه، طرح جایگزینی ندارد. از ســـوی دیگر اعزام نیرو از سوی ایران به ســـوریه نشان می‌دهد که این دولت عزم جدی در حفظ موفقیت‌های اخیر برای رژیم بشار اسد دارد.

روزنامه آمریکایی می‌افزاید: به گفته یکی از مقامات ائتلاف نظامی ایران، سوریه و روسیه، این سه کشور در صحنه عملیات با یکدیگر هماهنگی کامل دارند. به گفته وی، بازپس‌گیری حلب قدرت رژیم بشار اسد و کنترل آن بر کل سوریه را احیاء کرده و سرنگونی وی دیگر موضوعیتی ندارد. قدرت‌نمایی ایران در شمال سوریه چه به طور مستقیم و چه با استفاده از متحدان خود، نشان می‌دهد که تهران قصد دارد نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. به گفته فیلیپ اسمیت، پژوهشگر گروه‌های شیعی در ســـوریه در مؤسسه واشنگتن برای سیاســـت خاور نزدیک، ایران از دهه ۱۹۸۰ به روی ایجاد شـــبکه‌ای از متحدین سرمایه‌گذاری کرده است. مرکزیت این شبکه را حزب‌الله لبنان تشـــکیل می‌دهد. پس از حمله به عراق در ۲۰۰۳، ایران فعالیت خود برای ایجاد متحدینی دیگر را آغاز کرد. هم اکنون در ســـوریه، حزب‌الله، برخی از شبه نظامیان شیعی عراق و عده‌ای از شیعیان افغانستان گردهم جمع شده‌اند. به گفته اسمیت، ایران هم اکنون توانسته این گروه را به خوبی در سوریه شکل دهد و عربستان را پشت سر گذاشته است.

پیروزی در حلب می‌تواند بزرگترین پیروزی برای ایران و متحدان آن طی پنج سال جنگ سوریه قلمداد شود. واحدهای ارتش سوریه در صحنه زمینی به نیروهای ایرانی کمک می‌کنند و پشتیبانی هوایی جنگنده روسی نیز پیشروی آنها را تسهیل کرده است.

وال‌استریت ژورنال تصریح کرد: متحدان ایران توانستند ۱۲ شهر و روستای استان حلب را بازپس بگیرند و قصد دارند بخش‌هایی از شرق حلب را که در دست نیروهای معارض است به محاصره درآورند.

علی‌رغم همه تلفاتی که این جنگ داشـــته است، بسیاری از شیعیان منطقه به این باور رســـیده‌اند که نبرد ســـوریه جنگی حیاتی است و باید پیش از شیوع بیشتر افراط‌گرایی مقابل آن ایستاد.

مشارکت انتخاباتی گسترده ایرانی‌ها آمریکا را در وضع بدی قرار می‌دهد

یک سناتور سابق آمریکا گفت: میزان مشارکت در انتخابات بسیار زیاد خواهد بود و این امر سبب قرار گرفتن آمریکا در وضع بدی می‌شود.

به گزارش پرس‌تی‌وی، سناتور سابق آمریکایی تصریح کرد مشارکت در انتخابات ایران بیشتر از آمریکا است.

مایک گراول در گفت‌وگو با این شبکه گفت: اگر هفتاد و پنج‌درصد مردم ایران در انتخابات شرکت کنند، میزان مشارکت در انتخابات بسیار زیاد خواهد بود و سبب قرار گرفتن آمریکا در وضع بدی می‌شود. میزان مشارکت در انتخابات آمریکا، حدود پنجاه درصد است. علت مشارکت بالا در انتخابات ایران، جوان بودن جمعیت کشور است. این جوانان به آینده امیدوارند.

دروغ که کنتور نمی‌اندازد پس بزن روی دست ماکیاولی!

به خط شـــدن همه آنچه جریان روشـــنفکری و اصلاح‌طلب‌ها برای انتخابات در اختیار دارند، ناظران را یاد موقعیت‌هایی می‌اندازد که شـــنیدن بوی شکست، آنها را به دست و پا انداخته بود.

جهان‌نیوز با انتشار این تحلیل نوشت: ما با همین دو تا چشم کوچک، چیزهای عجیبی دیده‌ایم. در همین ۱۲-۱۰ سال، آدم‌های سیاسی، کارهایی کرده‌اند که پدر جد مؤلف منطق صوری هم نمی‌تواند جبران کند. سال ۱۳۸۴، در مرحله اول انتخابات ریاســـت جمهوری، دوردست‌آدم‌هایی بود که خیلی سر و صدا می‌کردند و می‌گفتند بعد از خاتمی، فقط معین محبوبیت دارد و رأی می‌آورد.

روز چهارشـــنبه قبل از دور اول انتخابات، توی چند میدان معروف تهران جمع شده بودند و می‌گفتند دست هاشمی توی قتل‌های زنجیره‌ای آلوده است و دوره او، پر از خفقان و سانســـور بوده، پس به معین رأی می‌دهیم که رفسنجانی رأی نیاورد. آدم‌های معروف رسانه‌ای هم در حلقه‌های تجمع روز ۴شنبه ۲۵ خرداد ۸۴، همین حرف‌ها را می‌زدند و مثل همین حالا، هر کس استدلال آنها را در رأی قطعی مصطفی معین قبول نمی‌کرد، با اسم‌هایی مثل عقب‌مانده و بی‌سواد و دهاتی و این جور چیزها صدا می‌زدند. بعضی از آنها می‌گفتند معین که رأی اول است. مگر می‌شود مردم به کســـی که خاتمی از او حمایت کرده، رأی ندهند؟ همگی به او رأی می‌دهیم و بقیه رقبا را تحقیر می‌کنیم که کار در همان مرحله اول تمام شود!

روز ۲۷ خرداد، انتخابات برگزار شـــد. معین رأی اول نبود، دوم هم نبود، سوم و چهارم هم نبود. کســـی که خاتمی با ادعای محبوبیت فراگیر از او حمایت کرده بود، پنجم شد و از دور رقابت کنار رفت. ۴ شنبه هفته بعد، اول تیر ۱۳۸۴، همان جماعت در میدان‌های معروف تهران جمع شدند و برای هاشمی رفسنجانی تبلیغ می‌کردند که تا هفته قبل می‌گفتند دســـتش تا آرنج یا بالاتر، در خون قتل‌های زنجیره‌ای اســـت و کارش خفقان و سانســـور است و... اما هاشمی در آن انتخابات شکست سختی خورد.

جهان نیوز می‌افزاید: انتخابات ریاســـت جمهوری ۸۸ هم، محل ورود چهره‌هایی به حمایت مستقیم انتخاباتی بود که تا حالا از این کارها نکرده بودند. توی تجمع‌های قبل از انتخابات سبزهای هوادار موسوی، از میدان‌های بزرگ تهران تا بزرگ‌راه‌هایی که شب‌ها می‌بستند و حرکت‌های فرهنگی موزیکال در آن اجرا می‌کردند، چهره‌های فرهنگی و هنری معروف هم دیده می‌شدند. این دفعه دیگر تمام بود. نه؟ اما وزن واقعی اجتماعی این آدم‌ها، قبل‌تر هم، در خلوت شـــدن سینماها و بی‌علاق